



میلاد

نشریه علمی - دانشجویی بیکران /
شماره ۲۳ / بهار و تابستان ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب:

- ۲ دین و روانشناسی معناگرا
۵ اسلام و مسیحیت
۹ گزارش روش تحقیق
۱۲ عطیه برتر
۱۴ مصاحبه با دکتر خادمی
۱۷ معرفی کتاب نخستین زنان صوفی
۱۸ معرفی نیایشگاه باستانی اسپه مزگت

شناسنامه:

صاحب امتیاز: انجمن علمی ادیان و عرفان
مدیر مسئول: فیروزه عاقبتی
سردبیر: فیروزه عاقبتی
هیئت تحریریه: فیروزه عاقبتی، حدیث عیدانی، صنم مروتی،
مهسا امیدوار، زهرا عباسیان
مشاور فرهنگی: خانم دکتر لیلا هوشنگی
طراح و صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر فراوان از همکاری خانم دکتر نوری سادات شاهنگیان در تهیه
گزارش روش تحقیق

☎ شماره تماس مدیرمسئول: ۰۹۳۵۲۶۹۲۲۸۰
✉ ایمیل مجله: bkaranmagazine@gmail.com
✉ ایمیل مدیر مسئول: f.aghebati74@gmail.com



همه جا خانه عشق است

غزل شماره ۸۰



عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت
من اگر نیکنم و کرد تو برو خود را باش
همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست
سر تسلیم من و خشت در میکرده‌ها
نامیدم مکن از سابقه لطف ازل
نه من از پرده تقوا به در افتادم و بس
حافظ روز اجل گریه کف آری جامی

که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
همه جا خانه عشق است چه مسجد چه کشت
مدعی گر نکند فم سخن کو سروشت
تو پس پرده چه دانی که که خوب است و که زشت
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت
یک سراز کوی خرابات بر زنت به بهشت

شرح غزل

ای پارسای نیک نهاد، بر وارستگان عیب مگیر زیرا گناه هیچ کس را برای تو نخواهند نوشت.
من اگر نیک و خوبم یا بد نهاد و ناپاک، تو برو به اعمال خود برس زیرا که هر کس در پایان همان چیزی را درو می‌کند که کاشته است.
همه چه هشیار و آگاه باشند و چه ناهشیار و مست، خواهان محبوب یکتا هستند پس با این حساب همه جا چه مسجد چه کشت(عبادتگاه یهودیان)، خانه عشق و سرای محبت است.
من سر تسلیم خود را بر خشت در میکرده‌ها فرود می‌آورم، اگر مدعی این سخن مرا درک نکنند، بدان که مغزش با خشت یکی است.
مر از لطف دیرینه خداوند ناامید مکن زیرا تو می‌دانی که در پشت پرده چه کسی نیکوکار است و چه کسی بدکار.
تنها من نیستم که از پرده عصمت بیرون افتادم بلکه پدرم(حضرت آدم(ع)) نیز بهشت را ترک کرده و از دست داد.
حافظ اگر هنگام مرگ هم ساغری باده معرفت به دست آری و بنوشی تو را یکسره از میخانه دنیا به بهشت خواهند برد.

بدان اطلاق می‌شود و بدین‌سان، یونگ روانشناسی را با مذهب کاملاً درآمیخت در سال‌های پس از جنگ ویرانگر و هولناک دوم جهانی، روان‌پزشک اتریشی یهودی بنام ویکتور فرانکل، نظریاتی در روانشناسی مطرح ساخت که برخی آن‌ها را ادامه و قوام نظریات یونگ می‌دانند. دکتر فرانکل چهار سال در اردوگاه آشویتز تحت سخت‌ترین شکنجه‌های جسمی و روانی قرار داشت. همسر و والدین و برادرش در مقابل چشمانش به همراه هزاران زن و مرد و کودک به کوره‌های آدم سوزی سپرده شدند. فرانکل که خود روان‌پزشک بود سعی کرد در طول چهار سال اسارت بفهمد که چرا خودش وعده‌ی کمی از اسیران اردوگاه تسلیم نشدند و زنده ماندند؟! به‌تدریج متوجه شد که دلیل زنده ماندن خودش، کمک به دیگر دردمندان در اردوگاه بود و با دقت متوجه شد آن‌ها که زنده ماندند هرکدام دلیلی برای خود داشتن، چشمان عزیز منتظر به راه، کتابی نوشته، بنای نساخته و از این قبیل. بدین ترتیب دکتر فرانکل عمیق‌ترین نظریه روان‌شناختی انسانی را با کتابی به همین عنوان مطرح ساخت: انسان در جستجوی معنا. بر اساس نظریه دکتر فرانکل، محرک اصلی انسان نه‌تنها دریافت لذت و پرهیز از رنج نیست بلکه انسان در جستجوی مفهومی بنام معنا، داوطلب و آماده برای رنج کشیدن است و همین معناگرایی، مبنای تمامی اسطوره‌های قهرمانانه و پردازش کهن‌الگوها و تبلور آن‌هاست؛ بنابراین، روشی بنام معنا درمانی ساخت تا انسان‌ها را به بهترین نحو از چنگال انواع روان‌پریشی‌ها و افسردگی‌ها نجات بخشد.

در نظریه دکتر فرانکل، انسان برای سلامت روان در زندگی نیاز به معنا دارد، یعنی چیزی لازم دارد که به خاطرش زنده بماند یا حتی به خاطرش بمیرد. در معنا درمانی انسان در جستجوی معنای زندگی‌اش و تحقق آن است، نه خشنود ساختن غرایز و امیالش. هرکس چرایی برای زندگی بیابد، با هر چگونگی خواهد ساخت؛ و هدف روانشناسی معناگرا این نیست که انسان مدام در شادی باشد بلکه انسان باید صاحب معنا باشد. معنا، هدف، انگیزه، فرانکل ریشه‌ی روان‌نژندی را ناتوانی بیمار دریافتن معنا و هدف و مسئولیت در زندگی می‌داند و خودش را به‌عنوان دکتر روان‌پزشک مسئول کمک کردن به بیمار در یافتن معنا می‌داند.

راه‌های کسب معنا از نگاه دکتر فرانکل سه‌راه‌اند

- **انجام کاری شایسته؛** خدمت به دیگران
- **درک ارزش‌های روحی:** کسب ارزشی تجربی مانند فرهنگ و هنر یا درک و دریافتن فردی دیگر یعنی عشق
- **پذیرش رنج:** آنگاه که رنج معنایی بیابد (به مردی بسیار افسرده از فوت همسرش گفتم میدانی اگر تو مرده بودی او باید این رنج را متحمل می‌شد؟ افسردگی بهبود یافت چون رنج معنادار شده بود - نقل از دکتر فرانکل) فرانکل به نقش مذهب و خداآوری در معنادار شدن زندگی انسان بسیار توجه دارد. نظریه خدامحوری پرتطرفدارترین نظریه معناداری در زندگی است. بنا بر دیدگاه فرانکل یک احساس مذهبی عمیق و ریشه‌دار در اعماق ضمیر ناخودآگاه هر انسانی وجود دارد.

وجودی انسان است که خود از وجود آن بی‌خبر است کارل گوستاو یونگ که به گفته‌ی برخی شاگرد و برخی دیگر همکار و دوست فروید بود، با تحصیل در رشته‌ی فیزیولوژی و علوم اعصاب، پای درراهی نهاد که فروید برای پرهیز از روان‌پریشی و دستیابی خوشبختی درونی پیش پای انسان می‌نهاد. دوری از دین و وجودی بزرگ و متعالی بنام خدا، لذت‌جویی و پرهیز از رنج و کامیابی تمام و کمال جنسی. یونگ مردی جوان، ثروتمند و خوش‌سیما و بسیار موردتوجه خانم‌ها بود و خود، نمونه‌ی اعلای شیوه‌ی زندگی به سبک فروید بود؛ اما در اوان میان‌سالی و حوالی ۵۳ سالگی چنان دچار پریشانی و افسردگی گردید که خود، خویشتن را مبتلا به اسکیزوفرنی یافت. بدین ترتیب یونگ شروع به مخالفت با عقاید فروید کرد و روان انسان را بسیار پیچیده‌تر از آن دانست که تنها با سرکوب یا شکوفایی تمایلات غریزی متأثر شود و مباحث گسترده‌ای در روان‌شناسی انسان را آغاز کرد و نظریه‌هایی ارائه کرد شاخه‌ی مهمی در روانشناسی محسوب می‌شود. یونگ اصطلاحاتی در روانشناسی مطرح کرد که هنوز مورد تأیید و معتبر است. نظریه‌ی شاخص ضمیر ناخودآگاه یونگ، ضمیر ناخودآگاهی که توسط فروید مطرح شد را با توجه به تحقیقاتی که بر رویاهایی که بیماران و مراجعانش تعریف می‌کردند و کاوش در اعماق خویشتن خودش انجام داد، بسیار گسترش داد و بیان کرد که هر انسانی به‌شخصه دارای ناخودآگاهی شخصی است و تمام انسان‌ها نیز به ناخودآگاهی جمعی متصل‌اند که متشکل از ناخودآگاه همه‌ی افراد بشر از آغاز تا امروز است. ناخودآگاه خود متشکل از سایه، پرسونا، آنیما و آنیموس و کهن‌الگو سایه: بخشی از شخصیت ما که از وجودش خجل هستیم و سعی در پنهان داشتنش داریم. ناشی از صدمات و تحقیرهایی در کودکی، نارسایی‌ها یا نازیبایی‌هایی که در خود می‌بینیم پرسونا: نقابی که مناسب هر محفلی بر خود می‌زنیم، در مجالس و مجامع مختلف مطابق میل آن‌ها شخصیت‌سازی می‌کنیم آنیما در ضمیر ناخودآگاه مرد به‌صورت یک شخصیت درونی زنانه و آنیموس در ضمیر ناهشیار زن به‌صورت یک شخصیت درونی مردانه است کهن‌الگو یا آرک تایپ: که همان اعیان ثابت است. صورت مثل افلاطونی، همان نمونه عالی از ما که دارای کامل‌ترین صفات است، انسان کامل، آنچه در تمام قرون و اعصار به‌صورت اسطوره‌ای در ذهن انسان‌ها جای می‌گیرد و نماد می‌شود، ایزدان، الهگان بدین ترتیب یونگ که خودش فرزند کشیشی بود، نظریه دین‌شناسی خود را بر اساس کهن‌الگو بنا کرد و نه‌تنها نظریه فروید مبنی بر نیاز به یک پدر متعال را رد کرد، بلکه خدا را به لحاظ روان‌شناختی بخشی مشترک در روان تمام انسان‌ها دانست که می‌تواند بین تمام عناصر روان اعتدال و انسجام برقرار کند. بنابر نظریه یونگ از کهن‌الگو، می‌توان نتیجه گرفت که هر انسانی در هر نقطه‌ای از جهان و در هر مقطعی از زمان و با هر پس‌زمینه‌ی فرهنگی و نژادی در ناخودآگاه خویش خدا را به‌عنوان کهن‌الگو داراست. تمام تعبیرها شامل برهمن، زئوس، یهوه، کریشنا ... به همین کهن‌الگویی اشاره دارد که تمام انسان‌ها در ناخودآگاه خویش حمل می‌کنند. یونگ هر انسانی را صاحب تصویری درونی از خدا در روان می‌داند که امروزه نام *imago die*



دین و روانشناسی معناگرا

● مهرناز بوستان دوست

● دانشجوی کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا (س)

محرومیت‌ها برای او جواز برای نظر می‌گیرد. فروید انسان را دارای گرایش به پدر می‌داند؛ همان‌گونه که در کودکی به پدری قوی و محکم و حامی نیاز دارد در بزرگسالی نیز از درد و ترس و رنج کمبودها، به وجودی متعال و قدرتمند پناه می‌برد. فروید، دین را پندار می‌نامد. در بعد روانکاوی فروید انسان را لذت‌جو و رنج‌گریز می‌داند و بیشتر بیماری‌های روان‌پریشی از جمله اسکیزوفرنی را نتیجه‌ی تمایلات جنسی سرکوب‌شده می‌داند. فروید اولین سنگ بنای نظریه‌ی مهمی بنام ناخودآگاه انسان را بنا نهاد و روان انسانی را به دو قسمت هشیار و ناهشیار تقسیم کرد و آن را به کوه یخی تشبیه کرد که قسمت کوچکی از قله‌ی آن از آب بیرون است که بخش هشیار محسوب می‌شود و قسمت اعظم آن در زیر آب و ناپیداست که ناخودآگاه است و متشکل از تمام سرکوب‌ها و تمایلات برآورده نشده و ترس‌های

روانشناسی به‌عنوان شاخه‌ای از علم و پژوهش، با آغاز پزشکی نوین و شناخت علوم اعصاب و عملکرد سیستم عصبی در بدن، متولد شد. می‌توان گفت روانشناسی و روانکاوی فرزند خلف روان‌پزشکی محسوب می‌شود. در اواخر قرن ۱۹ زیگموند فروید که پزشک متخصص علوم اعصاب بود، با مطرح کردن اولین نظریات در مورد روان انسانی و دلایل دین‌گرایی و مشکلات بزرگسالی ناشی از کمبودها و نارسایی‌ها در کودکی، هم‌زمان با عصر صنعتی شدن و رشد فناوری در اروپا و پشت سر گذاشتن قرون‌وسطی، پایه‌گذار روانشناسی نوین شد. فروید دین را تنها پناهگاهی برای انسان نوپای بی‌تمدن اولیه که مقهور نیروهای طبیعت و سرمازده و گرسنه و در تاریکی مانده بود توصیف کرد و جذابیت دین را نتیجه تمایلات غریزی سرکوب‌شده و محرومیت‌های انسان‌ها دانست که دین درازای این سختی‌ها و

imago die انسان حتی در تاریک‌ترین و بدبخت‌ترین لحظات زندگی‌اش احساس می‌کند او آنجاست. او شاهد بر من و در کنار من است. او همان خداست و مذهب، تکاپوی بشر برای یافتن معنای نهایی و غایی است) با تعریف فروید از مذهب مقایسه شود)

یکی از مهم‌ترین نکات مورد توجه دکتر فرانکل، آزادی اختیار و اراده انسانی است. به این معنا که انسان قادر است در هر شرایطی ماهیت درونی خود را تغییر دهد و سرنوشت او، نتیجه‌ی تصمیم‌گیری اوست. در کتاب انسان در جستجوی معنا می‌نویسد:

نیم‌قرن روان‌پزشکی کوشید نشان دهد انسان چیزی جز یک مکانیسم پیچیده‌ی سلسله‌ی اعصاب و نورون‌ها و سیناپس‌ها نیست اما امروز مشخص شده که انسان موجودی مختار و برگزیننده و تصمیم‌گیر است. در اردوگاه نازی‌ها، ما زندانیانی را دیدم که چون چارپایان بودند و زندانیانی که از فرشتگان چیزی کم نداشتند. انسان هر دو امکان را در خود نهفته دارد. کدام‌یک را برمی‌گزیند؟ این تصمیم بر عهده‌ی خود اوست. این است حقیقت وجود انسانی. انسان همان موجودی است که کوره آدم سوزی آشویتز را ساخت و هم او بود که مردانه، با سرودن نام خدا در آن گام نهاد.

مقاله‌ای که بنده ترجمه کردم با عنوان تفاوت‌های فردی در بررسی نیازهای وجودی و رابطه با تعهدات، باورها و تجربیات دینی؛ بررسی عملی و کارگاهی شامل ارتباط مفاهیمی مانند حضور معنا در زندگی، جستجو برای معنا، احساس هدفمندی با دین‌داری و معنویت باوری و خدا باوری است که بر روی دو نمونه شامل حدود ۴۴۴ نفر از مردم عادی در ایالت آریزونا و دانشجویان مدرسه‌ای خاورمیانه‌ای انجام شد که افراد پرسشنامه‌هایی در ارتباط با مطالب گفته‌شده پر می‌کردند و اطلاعات آماری به دست می‌آمد. قبل از پر کردن پرسشنامه‌ها از داوطلبان پرسیده می‌شد که آیا مؤمن به دین خاصی هستند (مسیحیت، یهود، اسلام، بودا، هندو و ...)، اگر نه آیا به معنویت و روح اعتقاد دارند و اگر نه آیا آتئیست هستند؟ و پاسخ‌ها در بررسی‌های آماری در نظر گرفته می‌شد و نتیجه بررسی‌ها و نمودارها، نشان داد که عملاً داشتن معنا یا جستجوی معنا در بیشتر افراد مرتبط با دین و معنویت است و هرچه افراد عملاً از معنویت فاصله می‌گیرند، دچار بحران‌های معنا و افسردگی و احساس پوچی می‌شوند. البته نتایج این تحقیق تأکید می‌کند که نیاز به معنا و تعریف معنا بسیار فردی است که اشاره به گفته‌ی دکتر فرانکل نیز دارد: معنا از هر شخص به شخص دیگری فرق می‌کند و هیچ‌گاه کسی نمی‌تواند به دیگری معنا دهد.

روان‌شناسی وجود گرا، یکی از شاخه‌های روان‌شناسی است که ریشه در فلسفه دارد. روان‌شناسان وجودی، روش‌های تجربی در روان‌شناسی را مردود می‌دانند. از نظر روان‌شناسان معتقد به این

مکتب تحلیل تجربه شخصی افراد و درک دنیای پدیدار شناختی آن‌ها از اعتبار بیشتری برخوردار است. اتو رنک به‌عنوان یکی از پیشگامان روان‌شناسی وجودی، تأکید فروید بر تجربیات کودکی را مردود دانسته و در عوض به مسئولیت‌پذیری انسان در لحظه اینجا و اکنون تأکید می‌کند. در این میان نظریه‌پردازان مکتب وجودی یا اگزیستانسیال، نظیر رولومی و اوین یالوم، به‌مانند انسان‌گرایان، از خویشتن تضعیف‌شده و منفعل توسط مکاتب سابق روان‌شناسی، مجدد نقاب برداری کرده و خویشتن آگاه، خردمند، انتخاب‌گر و مسئول انسان را بار دیگر زنده می‌کنند. ارتباط روان‌شناسی انسان‌گرا و وجودی به حدی است که برخی مؤلفان اصطلاح وجودی-انسان‌گرا را به کار می‌برند. در چارچوب سنجش اگزیستانسیالی که مبتنی بر مخالفت با جبرگرایی، تأکید بر آزادی، انتخاب، هدف، ارزش‌ها، مسئولیت و ارج نهادن بر دنیای تجربی منحصربه‌فرد انسان است، به پنج اصل اساسی اشاره نمود: ۹ انسان به‌عنوان انسان از مجموعه‌ای از بخش‌های خود اولی‌تر است (به این معنا که نمی‌توان انسان را با مطالعه علمی کارکردهایش به‌درستی شناخت). ۲ هستی انسان در قالب انسانی معنا پیدا می‌کند (به این معنا که نمی‌توان انسان را با توجه صرف به کارکردهای بخش‌های مختلفش و بدون در نظر گرفتن تجربیات بین فردی شناخت). ۵ انسان آگاه است و نمی‌توان او را با بدون توجه به خودآگاهی مستمر و چندلایه‌اش شناخت. ۴ انسان دارای قدرت انتخاب است. او شاهد و ناظر هستی خویش نیست، بلکه او خود تجربه کننده است. ۳ انسان دارای قصد، هدف، ارزش‌ها و معناست. برخلاف روانکاوان و رفتارگرایان که انسان را در هاله‌ای از عوامل درونی یا بیرونی اجتناب‌ناپذیر قرار می‌دهند، در مکتب وجودگرایان، «انسان موجود مختاری است که حقیقت وجودی او بر اساس مسئول بودنش تفسیر می‌شود».

به اعتقاد دکتر فرانکل، مهم‌ترین اصل در روان‌شناسی وجودگرایی، «وقوف انسان به خویشتن» خود است. آگاهی از خویشتن موجود، آگاهی از خویشتن حقیقی که باید باشد و در عین حال آگاهی از فاصله این دو «خود» که انگیزه فرد برای انتخاب راه و مسئولانه عمل کردن برای نزدیکی هرچه بیشتر به آن خود حقیقی خواهد بود در این مکتب، انسان آگاه با اضطراب‌های بنیادینی مواجه می‌شود که نه به خاطر کشنده‌ای غریزی بازدارنده شده، بلکه حاصل تعارض فرد با مقدرات و تعیین‌شده‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی اوست. به‌طوری‌که نگرانی از مرگ، آزادی، تنهایی و بی‌معنایی محتوای تعارضات درونی افراد را تعیین می‌کند. در زمینه درمان، تمرکز مکتب وجودی، بر مسئولیت انسان است. به عبارتی مفهوم آزادی در این رویکرد اشاره به دو جنبه دارد: مسئولیت و اراده. آزادی از سرنوشت محتمل، مسئولیت تغییر و معماری سرنوشت خود و اراده به اقدام و عمل‌گرایی مفاهیم مورد تأکید در روان‌درمانی وجودی است. اگر روان‌شناسان وجودی، معنا را یکی از نگرانی‌های نهایی و اضطراب‌برانگیز انسان می‌دانند، فرانکل معنای زندگی انسان را، معنا و معنایابی در نظر می‌گیرد.

اسلام و مسیحیت

بخش ۱

حدیث عیدانی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهرا (س)



تاریخ روابط مسلمانان_مسیحیان یا متناوباً مسیحیان_مسلمانان از آغاز اسلام در نیمه اول قرن ششم دوران عادی آغاز شد.

دوران عادی (CE) (دوران عادی یکی از نمادهای سال است که برای تقویم میلادی استفاده می‌شود، پرکاربردترین دوران تقویم است. قبل از دوران مشترک یا قبل از دوران فعلی (قبل از میلاد) دوران قبل از میلاد است. BCE و CE به ترتیب گزینه‌هایی برای نمادهای Dionysian قبل از میلاد و AD هستند. دوران دیونیزیایی دوره‌ها را با استفاده از نمادهای قبل از میلاد («قبل از مسیح») و بعد از میلاد (anno Domini، «در سال اُخداوند») متمایز می‌کند. دو سیستم علامت‌گذاری از نظر عددی برابر هستند: «۲۰۲۰ CE» و «۲۰۲۰ AD» هر یک سال جاری را توصیف می‌کنند. «۴۰۰ قبل از میلاد» و «۴۰۰ سال قبل از میلاد» هر کدام یک سال هستند. تقویم میلادی امروزه در سرتاسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد و یک استاندارد بین‌المللی برای تقویم‌های مدنی)

همان‌طور که اسلام بلافاصله پس از مرگ حضرت محمد در سال ۶۳۲ پ.م شروع به گسترش از شبه‌جزیره عربستان کرد، برخورد مسلمانان و مسیحیان وارد مرحله جدیدی از تعاملات نظامی، سیاسی و اجتماعی شد. یک قرن بعد، درحالی‌که این نوع تعاملات در امتداد مرزهای دوردست امپراتوری جدید اسلامی که از اسپانیا به رود سند گسترش می‌یافت، ادامه داشت، الگوهای جدیدی در سیاست‌های اکثر مسیحیان و اکثر مسلمانان به وجود آمد. آن‌ها نفوذ زمینه‌های مختلف کلامی و سیاسی را بر زندگی اجتماعی روزمره منعکس می‌کنند که منجر به انواع مختلفی می‌شود:

مواضع جدلی و برهان آوری که مسیحیان و مسلمانان درباره یکدیگر ایجاد کردند. این ترکیب مذهبی و سیاسی در دوره جنگ‌های مهم صلیبی (قرن دوازدهم تا سیزدهم میلادی) به منصف ظهور رسید و نمونه برجسته بعدی را در روابط مسلمانان-مسیحیان ایجاد کرد که بازتاب آن تا به امروز و به‌ویژه از زمان ایجاد دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ احساس می‌شود؛ اما همه دوره‌های تاریخی یا موقعیت‌های جغرافیایی یکسان نبودند؛ روابط جریانات دوطرفه‌ی سودمند در اینجا و آنجا در هر دو سمت مرزهای سیاسی موقت وجود داشت. به‌علاوه، تاریخ روابط مسلمانان-مسیحیان از دیگر دیدگاه‌های دینی و اخیراً به شکل بیشتری غیردینی جدا نشده است.

† دوره زندگی حضرت محمد (ص) حدود ۵۷۰-۶۳۲ پ.م.

تشخیص دقیق تاریخ زندگی حضرت محمد دشوار است. از طریق بررسی دقیق اشعار قبل از اسلام، قرآن، احادیث اولیه و شرح احوال که درباره‌ی همه آن‌ها در قرن گذشته بحث‌های جدی در مورد اعتبار آن‌ها به‌عنوان منابع تاریخی را در پی داشته است، با این وجود می‌توان سیر احتمالی وقایع در این اولین دوره از برخوردهای مسیحیان مسلمان اظهار کرد. پیش از سال ۶۱۰ میلادی، سالی که محمد نبی اولین وحی قرآن را دریافت کرد، مواجهات او با مسیحیان احتمالاً در سفرهای کاروانی وی به سوریه بزرگ رخ داد، همان‌طور که سنت دیدار او با راهب مسیحی بحیرا نشان می‌دهد. مواجهات گاه‌وبیگاه با مسیحیانی با گرایش‌های الهیاتی ناشناخته که از مکه عبور می‌کردند ممکن بوده است. در زندگی‌نامه محمد پیامبر انواع دیگری از برخوردها ذکر شده است که همه آن‌ها از نظر تاریخی قابل تأیید نیستند. به‌عنوان مثال، بلافاصله پس از سال ۶۱۰ پ.م. پیامبر با ورقه بن نوفل که پسرعموی خدیجه همسر پیامبر بود، ملاقات کرد. ورقه بن نوفل عالمی مسیحی بود که رسالت پیامبر را تأیید کرد. گفته می‌شود که برخورد دیگری در سال ۶۱۵ پ.م رخ داده است، هنگامی‌که مسلمانان نخستین برای مدتی کوتاه به امپراتوری مسیحی آکسومیت (حبشه) مهاجرت کردند. در سال ۶۲۸ م، هیئتی از مسیحیان از شهر نجران در عربستان جنوبی برای ملاقات پیامبر در مدینه آمدند و مدتی قبل از فوت پیامبر، در سال ۶۳۲ م، وی نامه‌هایی را برای

حاکمان موجود مانند هراکلیوس امپراتور بیزانس و نجاشی و همچنین امپراتور ساسانی خسرو فرستاد. این پنج مورد، برخوردهای احتمالی یا فرضی گوناگونی را نشان می‌دهد که همه آن‌ها برای اهداف مختلفی در روابط مسیحیان مسلمانان مورد استفاده قرار گرفته است، هم در زمان عمل و هم در تفسیرهای بعدی.

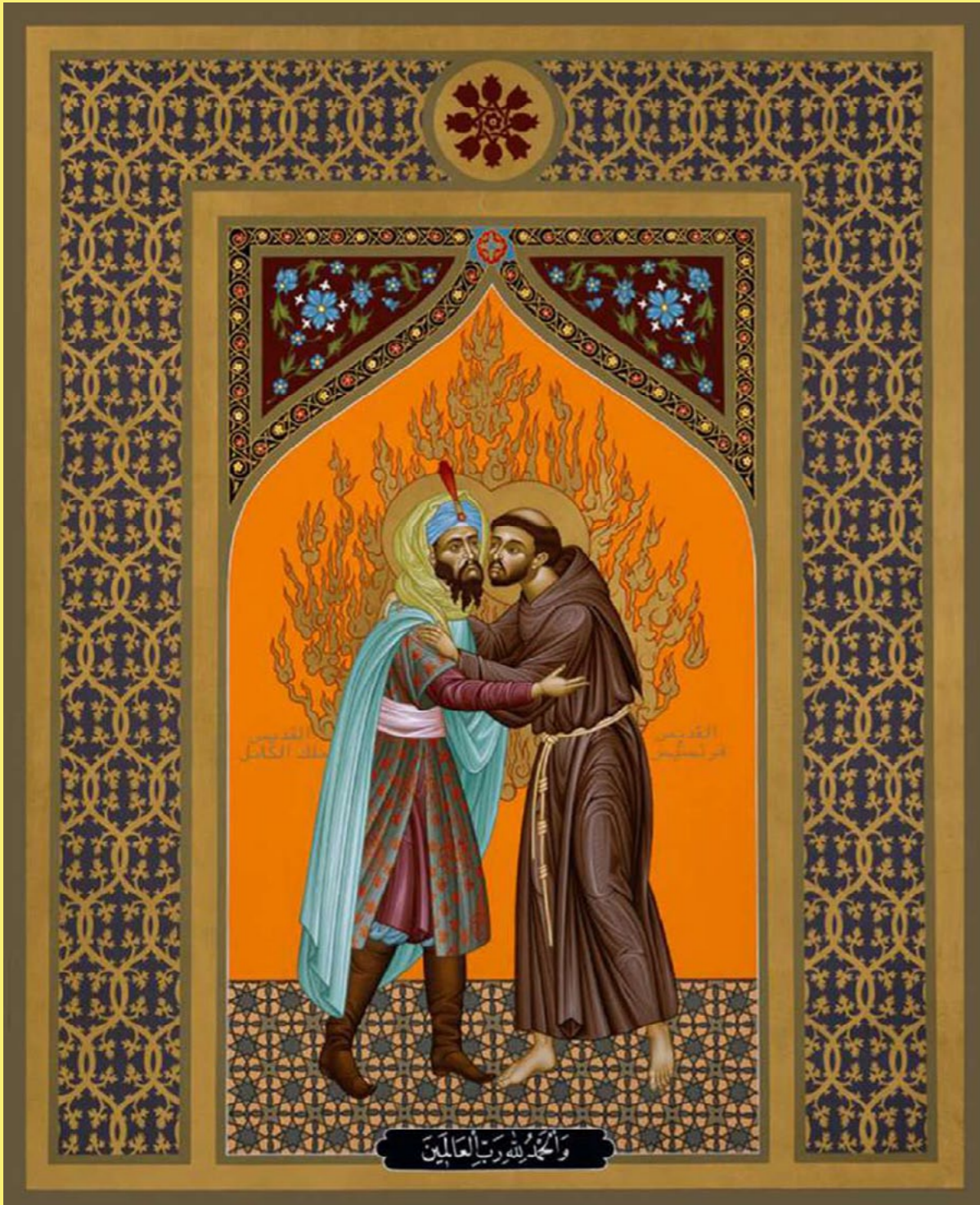
متون فراوانی از قرآن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسیحیان خطاب می‌شود (به‌عنوان مثال اهل کتاب، به همراه یهودیان) بیانگر ماهیت متغیر برخوردهای محمد پیامبر با آن‌ها است که موقعیت وی باگذشت زمان تغییر می‌کند. همین امر در مورد دو نظام دینی دیگر که وی در یهودیت و شرک مکه در عربستان با آن‌ها تعامل داشته است، صدق می‌کند. به نظر می‌رسد در هر سه مورد، تغییر در لحن، از تحمل تا جدال، نشان‌دهنده میزان پذیرش یا رد پیام پیامبری وی در هر لحظه از دریافت وحیانی قرآن است، روندی که حدود بیست‌وسه سال به طول انجامید. درباره‌ی مسیحیت به‌طور خاص، در بهترین حالت پذیرش مشروط مسیحیان وجود دارد و در بدترین حالت قضاوتی که آن‌ها را به شرک (شرک / بت‌پرستی) و کفر (کفر) مرتبط سازد. بیانات مختلف مسیحی که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است، در بیشتر موارد، بازتاب‌دهنده الهیات اصلی مسیحی نیست که مسلمانان به‌زودی پس از مرگ پیامبر محمد، در سال ۶۳۲ بعد از میلاد، با آن‌ها روبرو می‌شوند. این برداشت‌های غلط از الهیات جریان اصلی مسیحی قرن هفتم، با حفظ آن‌ها در قرآن، زمینه‌های منفی نسل‌های بعدی مفسران مسلمان از مسیحیت را فراهم می‌کند. قرائت اجتماعی - سیاسی مفهومی از این قسمت‌های مختلف تا حدی به اصل منسوخ اسلامی هرمنوتیکی قدیمی (که در آن وحی‌های بعدی قرآن باید بر موارد قبلی تقدم داشته باشد) برمی‌گردد، این یک روش برای درک تنوع و ماهیت گاه متناقض آن‌ها است. این امر به‌ویژه هنگامی مهم است که متون به‌صورت غیر تاریخی یا در طول دوره زندگی پیامبر (ص) یا برای اهداف عقیدتی معاصر در کنار هم قرار بگیرند.

† اولین فتوحات اسلامی ۶۳۲-۷۵۰ پ.م.

در طی مرحله اول گسترش سریع امپراتوری اسلامی، بین مهر و موم‌های ۶۳۲ و ۷۵۰ بعد از میلاد، دو نظام مهم مذهبی تحت کنترل سیاسی مسلمانان، مسیحیت شرقی، چه کالسدونی (بیزانسی) و چه غیر کالسدونی (به‌ویژه مونوفیزیت اعتقاد به اینکه مسیح از یک ذات واحد اسمانی برخوردار بوده و نسطوری)

(نسطوری شاخه‌ای از مسیحیت است که مبانی آن نخستین بار توسط نسطوریوس مطرح شد. نسطوریها بر این باورند که در عیسی مسیح دو شخص و دو طبیعت وجود داشت: طبیعت آدمی «عیسی» و طبیعت الهی، پسر خدا یا لوگوس.)

و آیین زرتشت، ادغام می‌شوند. در آن زمان، یهودیان فقط اقلیت کوچکی از جمعیت پراکنده در مناطق تازه تسخیر شده را تشکیل می‌دادند و هیچ تهدید سیاسی را نشان نمی‌دادند.



اولین کسانی که سعی در درک معنای اسلام به‌عنوان دین حاکمان مسلمان جدید آن‌ها، مسیحیان شرقی بودند، از آنجاکه مسیحیان غربی (رومی) مستقیماً تحت تأثیر فتوحات مسلمانان تا اواخر این دوره و بیشتر در شبه‌جزیره ایبری که در حاشیه غربی امپراتوری جدید اسلامی قرار گرفته است، قرار نگرفتند. (شبه‌جزیره ایبری در جنوب غربی اروپا قرار دارد و کشورهای اسپانیا، پرتغال، آندورا و جبل طارق را در برمی‌گیرد.) در همه موارد، با این حال، مسیحیان اسلام را در جهان‌بینی

الهیاتی مربوط به خود درک می‌کردند. بر اساس آن مسلمانان به‌عنوان اعقاب عرب هاجر و پسرش اسماعیل شناخته می‌شوند که از طرف خداوند به آن‌ها قول داده شده است که به یک ملت بزرگ تبدیل شوند. این تفسیر الهیاتی به موقعیتی سیاسی مرتبط بود که در آن بیشتر مسیحیان مونوفیزیت و نسطوری از ورود مسلمانان عرب استقبال می‌کردند، زیرا این امر به تبعیت سیاسی آن‌ها از مسیحیان بیزانس پایان داد. هم‌زمان با تسلط حاکمان جدید در قرن هشتم، تفسیرهای جدیدی شکل گرفت. هم برای مونوفیزیت ها و هم برای نسطوریان، اسلام حکمی

در همه موارد، با این حال، مسیحیان اسلام را در جهان‌بینی

✦ تثبیت روابط ۷۵۰-۱۰۸۵ ب.م

در سه قرنی که پس از تصرف سرزمین‌های مرکزی اسلامی توسط خاندان عباسی در سال ۷۵۰ پ.م. جهان اسلام به اوج شکوفایی فرهنگی، مذهبی و سیاسی خود رسید. این صلح اسلامی منجر به مدارای بسیار زیادی نسبت به اقلیت‌های مذهبی داخلی آن به‌طورکلی، البته در یک الگوی ذمی اسلامی قدرت می‌شود. ترجمه آثار فلسفی و علمی عمدتاً یونانی و سریانی به عربی در اواسط قرن نهم با تأسیس خلیفه آل مأمون (۷۸۶-۸۳۳ ب.م) بیت الحکما (خانه حکمت) به اوج خود رسید. بعداً توسط مترجم مسیحی نسطوریایی، حنین بن اسحاق (۸۰۹-۸۷۳ ب.م) هدایت شد. به‌عنوان مثالی مثبت از روابط مسلمانان مسیحیان در مرکز امپراتوری عباسی، بیت الحکمه درونی به دنبال دستیابی به روشنفکری پیرامون حقیقت بود و منجر به افزایش قابل توجهی از تساهل بین دینی و تأثیر متقابل، به‌ویژه در میان نخبگان تحصیل‌کرده شد. در خارج از کشور، همچنان که مرزهای امپراتوری مورد مناقشه قرار گرفتند، یک تناقض آشکار در میان مسیحیان اروپای غربی و بیزانس ایجاد شد که از قدرت بزرگ‌ترین امپراتوری آن زمان در زمین ترس داشتند. در میان مسیحیان غربی، بارزترین تحولات مربوط رگونکیستا در اسپانیا بود که با تصرف مسیحیان در تولدو در ۱۰۸۵ به اوج خود رسید. این جنبش با شعارهای منفی ضد اسلامی تقویت شد. همان‌طور که برای مسیحیان بیزانس، ادامه جنگ همچنین به حفظ دیدگاه‌های جدلی‌تر از اسلام کمک کرد و بر این عقیده قبلی که اسلام بدعت است با این تفاوت که نویسندگان اکنون به قرآن و سایر نوشته‌های عربی (ترجمه از آن‌ها) دسترسی داشتند، کمک کرد تا ادله جدلی خود را حفظ کنند. با این حال، برخی از نویسندگان بیزانس، با اعتراف به برخی شباهت‌های مسیحیت و اسلام، مانند مبانی مشترک در توحید، اعتدال بیشتری داشتند. در همان دوره، طیف دیدگاه‌های به همان اندازه متنوعی در مورد مسیحیت در میان مسلمانان پدیدار شد. درحالی‌که دسترسی بهتری به الهیات اصلی مسیحی وجود داشت، دانش بیشتر همیشه به مدارا و درک بیشتر منجر نمی‌شد. عوامل بسیاری افزایش نگرش جدلی مسلمانان به مسیحیت را توضیح می‌دهند. تغییر واقعیت‌های جمعیتی که در آن مسیحیان هنوز غالباً در بسیاری از مناطق اصلی اسلامی بودند اما میزان قدرت به تدریج به نفع اسلام تغییر می‌کرد؛ تغییرات وقایع کلامی در جامعه مسلمانان، از جمله جستجوی مشروعیت اسلامی در ریشه‌های کتاب مقدس. رقابت اجتماعی، به‌ویژه در مواقع دشواری اقتصادی؛ و لزوم دفاع از اسلام در برابر جهان‌بینی‌های مهم دیگر؛ اما همه تصورات مسلمانان از مسیحیت با مناقشه نبوده و همه نویسندگان مسلمان در شرایطی زندگی نمی‌کردند که عوامل فوق به یک اندازه وجود داشته باشد. همان‌طور که الهیات مختلف مسیحی برداشت‌های مختلفی از اسلام به وجود آورد، بنابراین کلام‌های مختلف اسلامی (معتزلی، اشعری، سنت‌گرا، صوفیه و ...) برداشت‌های مختلفی از مسیحیت ایجاد کردند.

از جانب خدا را در برابر کسانی که تعاریف مسیحی شورای کالسدون را پذیرفتند نشان داد (۴۵۱ ب.م) در مورد آن دسته از مسیحیان شرقی که تحت کنترل مسلمانان بودند و همچنان از الهیات بیزانس یا کالسدونی پشتیبانی می‌کردند، مانند ملکیت جان دمشقی، آن‌ها آمدند تا اسلام را بدعت مسیحی توصیف کنند.

فاتحان اولیه مسلمان از جنبش ایجادشده در اواخر عمر پیامبر پیروی کردند. اولین مرحله تعامل با مسیحیان (و یهودیان) تقابل بود و همه یهودیان و مسیحیان از شبه‌جزیره عربستان اخراج شدند. تا اواخر قرن هفتم و هشتم، هنگامی که فتوحات سیاسی مسلمانان در اکثر مناطق مسیحی و زرتشتی ریشه دوآند، نگرش‌ها و رویه‌های نرم‌تری ایجاد شد و با بازیابی متون قرآن مداران گرا تر به‌خصوص نسبت به مسیحیان، مشروعیت یافت. این تفاسیر و توضیحات منطقی برای رسمی کردن رابطه مسلمانان با مسیحیان و زرتشتیانی که اکثریت جمعیت را در نیمه غربی و شرقی مربوط به امپراتوری جدید (اسلامی) اموی (۶۶۱-۷۵۰ ب.م) تشکیل می‌دادند، لازم بود. این زمینه سیاسی جدید همچنین توضیح می‌دهد که چرا به مفهوم الهیاتی اهل کتاب (اهل الکتاب) که توسط پیامبر محمد برای پیوند دادن مفهوم وحی الهی یهودی، مسیحی و اسلامی استفاده شد، این یک مفهوم مشابه و عملی از اهل ذمه (اهل الذمه) است که به آن افزوده شد که امروز برخی به اشتباه به‌عنوان شهروندی درجه دو درک می‌کنند.

غیر اهل کتاب، راهی جز پذیرش اسلام ندارند، لیکن اهل کتاب سه‌راه در پیش دارند: پذیرش اسلام، جنگ و التزام به شرایط ذمه.

✦ تعریف اهل ذمه

به کسانی که راه سوم را انتخاب کنند و به شرایط ذمه ملتزم شوند، اهل ذمه یا ذمی گفته می‌شود و دولت اسلامی در قبال تعهد ایشان به شرایط ذمه، متعهد است از آنان به‌عنوان شهروند حمایت کند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را ندارد

این مفهوم بر اساس دو ارجاع قرآنی (۸۹، ۱۰) بود که در ابتدا به‌طورکلی به بت‌پرستان اشاره می‌شد. این مفهوم میثاق نامه به تحت سلطه درآوردن مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان به‌عنوان اقلیت‌های سیاسی که از مسلمانان حاکم درازای مالیات محافظت می‌شوند، کمک کرد. با این حال، وضعیت و فرصت‌های ترقی از فردی مسیحی به فرد دیگر و از یک منطقه جغرافیایی یا یک دوره تاریخی به منطقه دیگر بسیار متفاوت بود. به‌عنوان مثال، بسیاری از مسیحیان تحصیل‌کرده، در طول سلسله‌های بنی امیه و متعاقب آن، به‌خصوص در زمینه‌های پزشکی، فلسفه و دولت، به مقامات بالایی دست یافتند.

فرایند تدوین مقاله پژوهشی



فیروزه عاقبتی

● دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه الزهرا (س)

● مرحله اجرا:

اجرای پروژه تحقیقاتی به صورت غالب متضمن پنج گام اساسی است. موفقیت در هر گامی منوط به موفقیت در گام پیشین است.

۱-۲. تشکیل پرونده علمی:

شناسایی اجمالی منابع و اسناد و جمع‌آوری آن‌ها نقش مهمی در تمرکز ذهنی محقق و صرفه‌جویی در زمان تحقیق دارد و بهره‌وری پژوهش را افزایش می‌دهد. امروزه استفاده از کتابخانه‌های دیجیتالی تشکیل پرونده علمی را بسیار آسان‌یاب، سریع و غنی کرده است.

۲-۲. نقادای منابع:

برخی از منابع با بهره‌وری تحقیق منافات دارند. گام دوم این است که منابع و اسناد شناسایی شده را از حیث اصالت و اعتبار آن‌ها مورد نقادی و سنجش قرار دهیم. منابع غیر معتبر و اسناد غیر اصیل را حذف کنیم. ملاک اصالت و اعتبار، مسئله و فرضیه تحقیق است.

● مرحله طراحی:

طراحی درست پروژه تحقیقاتی تأثیر ژرفی در اثربخشی تحقیق دارد. در طرح تحقیقاتی باید مسئله تحقیق را تعریف و مسائل مندرج در آن و فرضیه‌های مربوط را با صورت‌بندی بیان کنیم؛ هدف و ضرورت تحقیق متمایز از فواید آن، پیشینه تحقیق، بودجه‌بندی زمان، بودجه‌بندی هزینه از سرفصل‌های عمده طرح تحقیقاتی است.

۲-۳. ترتیب تاریخی منابع:

در مطالعات کتابخانه‌ای، رعایت ترتیب تاریخی منابع از گذشتگان به آیندگان، راهگشا است. بنابراین، منابع گزینش شده را به لحاظ تاریخی چنان مرتب کنید که قدیمی‌ترین منبع را ابتدا مورد مطالعه قرار دهید.

۲-۴. فیش‌برداری:

چهارمین گام، گردآوری داده‌ها از منابع و اسناد است که در مطالعه کتابخانه‌ای به آن فیش‌برداری اطلاق می‌شود. در فیش‌برداری، سلیقه‌های فراوانی وجود دارد. دو ملاک در انتخاب شیوه فیش‌برداری می‌توان مورد توجه قرار داد: افزایش تمرکز ذهنی محقق و کاهش زمان.

شیوه‌های فیش‌برداری مسئله محور هر دو ملاک را تأمین می‌کنند. اصل مسئله محوری تحقیق اقتضا می‌کند محقق با داشتن مسئله، سراغ منابع برود و یافته‌های خود را در ذیل هر مسئله و به تربیت تاریخی منابع، در یک برگ (یا برگ‌های پیوستی) فیش‌برداری کند.

۲-۵. پردازش اطلاعات:

تجزیه و تحلیل اطلاعات، آزمون فرضیه و استنتاج نتایج تحقیق آخرین گام اجرای پروژه تحقیقاتی است. اصول و فنونی که تا کنون مورد بحث قرار گرفته‌اند، ابزارهای این مرحله از پژوهش‌اند.

□ مرحله گزارش:

تدوین نتایج تحقیق و ارائه آن به محافل علمی از مهم‌ترین اقدام‌های محقق است. آنچه نزد دیگران مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد، گزارش تحقیق است. گزارش نتایج پژوهش، در جامه‌هایی چون پایان‌نامه، کتب و مقاله پژوهشی انجام می‌گیرد. قسم سوم رایج‌ترین نوع گزارش‌نویسی است.

نکته آغازین در تدوین مقاله پژوهشی، توجه محقق به مخاطبان است. این امر، ادبیات مقاله و ساختار آن را مشخص می‌کند. مقاله پژوهشی تمایز ساختاری با مقاله‌های آموزشی، ترویجی و اطلاع‌رسانی دارد. مقاله پژوهشی در مقام انتقال یافته‌های دیگران نیست بلکه در مقام ارائه مستند و مستدل یافته علمی محقق است. نوآوری مقوم پژوهش و مقاله پژوهشی است. نویسنده مقاله پژوهشی هم به یافته جدید اشاره می‌کند و هم ادله، منابع و روش خود را ارائه می‌کند تا مورد داوری و ارزیابی دانشمندان قرار گیرد. به همین دلیل، یکی از شاخص‌های پژوهشی بودن مقاله، تعداد ارجاعاتی است که محققان بعدی از

سر تأیید و استفاده به آن مقاله ارجاع می‌دهند.

با توجه به ساختار مقاله پژوهشی، تدوین چنین مقاله در هشت گام اساسی انجام می‌شود:

۱-۳. عنوان:

ظریف‌ترین امر در هر مقاله پژوهشی انتخاب عنوان آن است. در انتخاب عنوان مقاله چند نکته مهم قابل توجه است:

یک: عنوان را ناظر به مسئله انتخاب کنید.

دو: اخذ پاسخ مسئله در عنوان، شایسته نیست. عنوان را باید نسبت به پاسخ بی‌طرف تعبیر کرد.

سه: عنوان باید رسا، بلیغ و فصیح باشد. در شرایط مساوی عنوان کوتاه بهتر است و در هر شرایطی از اخذ عنوان تکراری پرهیز کنید.

چهار: عنوان باید عاری از تعابیر احساسی و عاطفی باشد. به کار بردن زبان دق‌ی در عناوین تحقیقاتی ضروری است.

۲-۳. چکیده:

چکیده در اصطلاح دانش اطلاع‌رسانی، به خلاصه‌ای از یک نوشته اطلاق می‌شود که شامل فشرده تمام مطالب مهم یا فشرده قسمت‌های ویژه یا فهرستی از محتوای آن نوشته باشد. چکیده را از جهات مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند. مانند چکیده پدیدآور، تلگرافی، چکیده تمام‌نما، توصیفی، راهنما و سوگیرانه. مراد از چکیده در مقاله پژوهشی، چکیده پدیدآور است که توصیفی، بدون سوگیری و به عنوان چکیده تمام‌نما و توصیفی نگاشته می‌شود.

چکیده نویس در مقالات پژوهشی دو هدف عمده را دنبال می‌کند:

یک. کمک به خواننده تا ضرورت یا عدم ضرورت مطالعه تمام مقاله را دریابد و از همه مباحث مقاله اعم از مسئله، نظریه‌های مختلف، ادله و روش و نتایج تحقیق تصویری به دست آورند. چکیده مقاله باید به زبان صریح و توأم با صداقت، همه مقاله را نشان دهد.

دو. کمک به جست‌وجوکنندگان الکترونیکی جهت دست‌یابی به چکیده پژوهش که در سایت منعکس است.

در نگارش چکیده چند نکته را توجه کنیم:

زبان و ادبیات چکیده همان زبان مقاله است. هرگز زبان فهرست و گزارش از مقاله به کار نبرید.

جایگاه مستقلی از ساختار مقاله را پس از بدنه اصلی به آن اختصاص می‌دهند.

۳-۶. نتیجه:

حاصل پژوهش بدون بیان ادله و شواهد در پایان مقاله بیان می‌شود. نتیجه برخلاف چکیده متضمن تعریف و بیان مسئله، ذکر ادله و اسناد و دیدگاه‌های رقیب نیست. نتیجه مقاله صرفاً نشان می‌دهد که مطالعه نظام‌مند چه نوآوری دارد.

۳-۷. تشکر:

چنانچه مطالعه شما به وسیله اشخاص یا سازمان‌هایی حمایت شده است، تشکر از آن‌ها را در این بخش می‌آورید.

۳-۸. منابع:

مشخصات کتاب‌شناختی منابع تحقیق باید در پایان مقاله بیان شود. شیوه‌های مختلف در این امر وجود دارد. انتخاب شیوه بستگی به روش ارجاع‌نویسی در بدنه اصلی مقاله دارد. نام مشهور نویسنده و مشخصات اسمی کامل وی، عنوان دقیق و کامل کتاب، نام مصحح، مترجم و ویراستار، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر مشخصاتی‌اند که نباید فراموش گردند. برخی از مجلات منابع مقاله را با عنوان کتاب‌شناسی می‌آورند و برخی آن را متمایز از کتاب‌نامه اخذ می‌کنند.

برگرفته از کتاب اصول و فنون پژوهش در گسترده دین پژوهی نوشته احمد فرامرز قراملکی

۳-۵. بدنه اصلی:

بدنه اصلی مقاله، گزارش کامل از پژوهش است. اشاره به نظریات رقیب در حل مسئله، نقد مستند و مستدل آن‌ها، بیان نظریه مختار و دفاع از آن عمده‌ترین مباحث مقاله است. از هرگونه بحث مفصل در تحلیل پیش‌فرض‌ها، مبانی و مباحث مقدماتی و ذکر مدرک یا اطلاعاتی که با موضوع و مسئله بی‌ارتباط است، باید پرهیز کرد. در نقل قول‌ها، رعایت امانتداری، اختصار و ارجاع به اسناد اولیه الزامی است. ارجاع در متن به دلیل افزایش در تمرکز و کاهش در زمان، حقوق خواننده را بیشتر از سایر روش‌های ارجاع رعایت می‌کند و لذا اخلاقی‌تر است. بدنه اصلی مقاله غالباً در دو ترازو سنجیده می‌شود: اعتبار منابع و کفایت ادله و صحت نتایج. یادداشت‌هایی را که متضمن مباحث فرعی است می‌توان در پاوررقی درآورد. عده‌ای از مجلات پژوهشی

□ دو کتاب ارزشمند دیگر که در زمینه روش تحقیق می‌توان به آن رجوع کرد:

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.

علی‌اکبر سیف، روش تهیه پژوهش‌نامه در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۸.

Summumbonu / عطیه برتر

نویسنده: پائولو کوئلو

مترجم: آرش حجازی

مهرناز بوستان دوست

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س)

اگر به زبان مردم و فرشتگان سخن بگویم و عشق نداشته باشم، به نحاس صدا دهنده و سنج فغان کننده، مانده شده‌ام

اگر صاحب عطیه‌ی پیشگویی باشم و آگاه باشم بر تمام اسرار و تمامی دانش‌ها، اگر ایمانم چنان کامل باشد تا آنجا که کوه‌ها را جابجا کنم و عشق نداشته باشم؛ هیچم اگر تمامی اموالم را میان فقرا تقسیم کنم و اگر بدن خود را به آتش بسپارم، اما عشق نداشته باشم هیچ حاصلی به دستم نیست

عشق، بردبار است

عشق، مهربان است

در آتش حسد نمی‌سوزد،

کبر ندارد، غرور ندارد، اطوار ناپسندیده ندارد

نفع خویش را خواهان نیست،

خشم نمی‌گیرد،

سوءظن ندارد،

از ناراستی شاد نمی‌شود ولی با راستی به شغف می‌آید،

در همه‌چیز صبر می‌کند،

همه را باور می‌کند،

همواره امیدوار است

و همواره بردبار

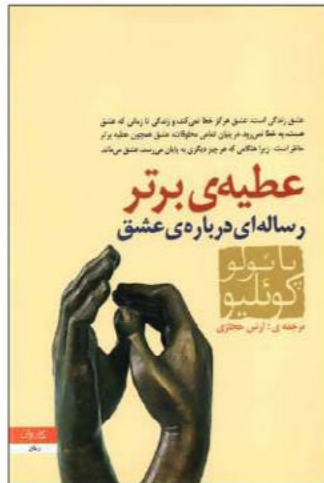
عشق هرگز نابود نمی‌شود اما پیشگویی‌ها نیست می‌شوند و زبان‌ها پایان می‌یابند و دانش‌ها زائل می‌شوند؛ زیرا دانش ما جزئی است و پیشگویی‌های ما جزئی است و آنگاه که کامل بیاید، جزئی نابود خواهد شد.

اینک اما سه چیز می‌ماند: ایمان، امید و عشق؛ اما برترین آن‌ها، عشق است.

رساله‌ی پولس به قرن‌تیان، باب سیزدهم

همه‌ی ما پیش از این در لحظاتی مشخص، از خود همان سؤالی را پرسیده‌ایم که همه‌ی نسل‌ها پرسیده‌اند: مهم‌ترین عنصر هستی ما چیست؟ می‌خواهیم روزگار خود را به بهترین شیوه بگذرانیم و هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بجای ما زندگی کند؛ پس باید بدانیم نیروهای خود را به کدام سو هدایت کنیم و به کدام هدف برتر دست‌یابیم.

اغلب می‌شنویم که مهم‌ترین گنجینه‌ی جهان روحانی، ایمان است. سده‌های بسیار، دین بر این واژه استوار است. آیا باید ایمان را مهم‌ترین عنصر جهان دانست؟



در قطعه‌ای که خواندیم می‌بینیم که مابین ایمان، امید و عشق، عنصر عشق برترین است. بحث سطحی یک نظریه‌ی پولس، نویسنده‌ی این سطور در میان نیست. هرچه باشد او چند سطر پیش از این جمله، از ایمان نیز سخن می‌گوید: اگر ایمانم چنان کامل باشد تا آنجا که کوه‌ها را جابجا کنم و عشق نداشته باشم، هیچم. پولس از موضوع نمی‌گریزد، برعکس، او ایمان را با عشق مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که: عشق برترین آن‌هاست. گفتن این جمله حتماً برای پولس بسیار دشوار بوده است. یک مرد اغلب دیگران را به چیزی توصیه می‌کند که در خودش نیرومندترین عنصر است. عشق نیرومندترین عنصر پولس نیست، دانشجوی باشعور خواهد فهمید که این رسول هرچه رو به پیری می‌رفت، مهربان‌تر و بردبارتر می‌شد اما دستی که نوشت: اما عشق برترین آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای آشکار از خون جوانی نیرو می‌گرفت. فراتر از این، این رساله به قرن‌تیان، تنها رساله این نیست که عشق را به‌عنوان عطیه‌ی برتر معرفی می‌کند. تمام آثار اولیه‌ی مسیحیت در پی این ادعا، مدعی بوده‌اند. پطرس می‌گوید: اما فراتر از هر چیز با تمامی شور به یکدیگر عشق بورزید، چراکه عشق، ستر کثرت‌گناهان است. یوحنا از این هم فراتر می‌رود: خدا، عشق است. نیز می‌توانیم در متن دیگری از پولس بخوانیم: فرجام شریعت، عشق است.

چرا پولس چنین می‌گوید؟ در دورانی که مردم می‌کوشیدند با پیروی از ده فرمان، به بهشت برسند، همچون صدها ده فرمان دیگری که به‌عنوان اساس تابوی شریعت خلق شده بودند. پیروی از شریعت، همه‌چیز بود. مهم‌ترین چیز بود، یگانه راه زیستن.

سپس مسیح گفت: آمده‌ام تا راهی بسیار ساده‌تر برای رسیدن به پدر به شما نشان دهم. اگر این را بیاموزید، می‌توانید، صدها کار دیگر نیز بکنید، بی‌آنکه از اهانت به ذات خداوند بترسید. عشق، اگر عشق بورزید، در ماورای شریعتید، حتی اگر بر این آگاه نباشید. می‌توانیم خود،

صحت این کارکرد را بیازماییم.

در فرمانی می‌بینیم: خدا را فراتر از هر چیز دیگری دوست بدارید؛ و این عشق است.

نام مقدسش را بی‌جهت بر زبان می‌آورید. آیا آن مایه دلیری داریم تا کلامی سطحی درباره‌ی معشوق خود بر زبان آوریم؟

یکشنبه‌ها و جشن‌های مقدس را ارج بنهید. آیا بارها پیش نیامده که بی‌قرار و منتظر روز ملاقات با کسی هستیم که دوستش داریم تا عشق خویش را نثارش کنیم؟

آنگاه که کسی عشق می‌ورزد، دیگر لزومی ندارد از او خواسته شود که پدر و مادرش را تکریم کند یا همسایه‌اش را دوست بدارد و هم نوعش را نیازارد. او هرگز چنین نخواهد کرد. کدام عاشق، موجب رنجش معشوق را فراهم می‌آورد؟ که چون چنین کند، عاشق نیست. پس، عشق، اجرای شریعت است. عشق قانونی است که در خود تمامی قانون‌های دیگر را خلاصه می‌کند. عشق فرمانی است که توجیه تمام پیرایند دیگر است. عشق، راز زندگی است.

پولس این حقیقت را آموخت و بهترین و مهم‌ترین تعریف عطیه‌ی برتر summumbonum را به ما آموخت.



مصاحبه با دکتر سمیه خادمی

سوالات مصاحبه با سرکار خانم دکتر سمیه خادمی که رساله ایشان با عنوان «تحلیل ماهیت واردات قلبی از دیدگاه روزبهان بقلی و ابن عربی» با مشاوره خانم دکتر هوشنگی به عنوان اثر برگزیده حوزه عرفان در دوازدهمین دوره جشنواره فارابی معرفی شد.

مهسا امیدوار

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)

لطفا خودتان را معرفی کنید چگونه علاقه مند به عرفان بودید و درباره تحصیلاتتان توضیح دهید

سمیه خادمی هستم متولد ۱۳۶۷ از خطه کردستان در خانواده‌ای با سطح متوسط جامعه، سال ۸۵ وارد دانشگاه مدنی تبریز شدم و در رشته ادیان و عرفان شروع به تحصیل کردم در ابتدا شناخت کاملی از رشته ام نداشتم اما پس از مدتی علاقه وافر به حوزه عرفان پیدا کردم و به آن سمت و سو کشیده شدم چون عرفان را سنت غنی و کاملی یافتیم که هرآنچه میخواستیم میشد در عرفان جستجو کرد، سال ۹۰ در مقطع کارشناسی ارشد وارد دانشگاه الزهرا شدم و پس از فارغ التحصیلی از

دانشگاه الزهرا برای مقطع دکترا به سمنان رفتم و در دانشگاه سمنان دکترای عرفان و تصوف را آغاز کردم در سال‌های ۹۵ و ۹۶ به عنوان دانشجوی نمونه انتخاب شدم و در سال ۹۶ عضو سازمان ملی نخبگان برگزیده شدم و رساله مقطع دکترای من با عنوان تحلیل ماهیت واردات قلبی از نگاه روزبهان بقلی و ابن عربی در جشنواره فارابی در سال ۱۴۰۰ شایسته تقدیر شد و در مراسمی با حضور وزیر علوم و دیگر بزرگان از بنده تقدیر شد. من در کنار تحصیل از سال ۹۳ در دانشگاه سمنان تدریس را آغاز کردم و سال ۹۵ در دانشگاه الزهرا نیز مشغول به تدریس شدم سپس پس از تکمیل مقطع دکترا به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مدنی آذربایجان در حال خدمت هستم

درباره زمینه فعالیت پژوهشی خود کمی توضیح دهید.

از آن جا که به حوزه عرفان علاقه مند بودن فعالیت‌های پژوهشی من از دوران کارشناسی ارشد به طور جدی در حوزه عرفان آغاز شد و برای پایان نامه این دوره با کمک و راهنمایی بسیار خوب و عالی دکتر سرور مولایی از اساتید برجسته دانشگاه الزهرا در رشته ادبیات و دکتر جوانی توانستم پایان نامه را با عنوان ارائه دهم و چندین مقاله از آن پس در حوزه عرفان در مجامع مختلف داخلی و بین المللی ارائه کنم و همچنین در کنار تالیف مقالات رساله دکترای من به کمک و راهنمایی اساتید ارجمند بنده آقای دکتر عظیم حمزه نیان و دکتر خیاطیان و خانم دکتر لیلا هوشنگی به سرانجام رسید

چه کتاب و مقالاتی از شما منتشر شده است؟

مقالات متعددی از بنده در فصلنامه‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده و مقالات مختلفی در کنفرانسهای داخلی و بین المللی ارائه شده که به طور مثال به چند عنوان از این مقالات اشاره می‌کنم:

- *بررسی تطبیقی انسان شناسی مولانا و عطار
- *تحلیل حجاب عرفانی از نگاه ابن عربی
- *لزوم رعایت اخلاق در فضای مجازی با تقوای حضور
- *بررسی مفهوم زندان در اندیشه مولانا

کمی درباره رساله‌تون «تحلیل ماهیت واردات قلبی از دیدگاه روزبهان بقلی و ابن عربی» توضیح دهید.

روزبهان بقلی از عارفان ایرانی اهل فسای شیراز بود و همچنین ابن عربی از بزرگان عرفان است برای بررسی واردات و مکاشفات به سراغ روزبهان بقلی رفتم زیرا ایشان صاحب مکاشفات زیاد بیش از هر عارف دیگری است و در کشف الانوار گفته شده که روزبهان از ۱۵ سالگی دارای مکاشفه بوده است مواجهه و مکاشفه و یا واردات قلبی همان سیر تجربه عرفانی است که در غرب مطرح می‌شود و یا همان مواجهه عارف بی واسطه با امر متعالی است که ما آن امر متعالی را خدا می‌دانیم

در این رساله واردات قلبی از سه جنبه بررسی شده‌اند از جنبه هستی شناسی یعنی بررسی کردیم که جنس واردات قلبی چیست عالم خیال عالم احدیت و غیره چگونه تبیین می‌شوند جنبه دوم جنبه معرفت شناسی بود که امکان شناخت واردات را بررسی نمودیم و در این حوزه به صدق گفتارها محدودیت‌های واردات بیان و تعبیرات آنها پرداختیم در جنبه سوم انسان شناسی را در واردات قلبی بررسی کردیم و رابطه این واردات و مکاشفات را با مقام نبوت و امامت و رابطه این مکاشفات و

واردات با کوشش سالک و فیض خدا بررسی شد و به تاثیر و نتایج واردات قلبی به روح عارف توجه کردیم

اکنون خود را در چه جایگاهی ارزیابی می‌کنید؟

بنده با همه موفقیت‌های علمی که کسب کرده‌ام هنوز خود را در جایگاه شاگرد در این حوزه می‌دانم.

باوری که در شما از همه قوی‌تر بوده و باعث موفقیتتان شد چیست؟

اول و آخر همه چیز لطف خداست و پس از عنایت خدا بیش از هر چیز دیگری مدیون دعای پدر و مادرم هستم و به شدت معتقدم رزق فقط شامل رزق مادی نیست بلکه رزق معنوی نیز شامل انسانها می‌شود و خداوند بهترین رزق‌های معنوی از جمله اساتید خوب را نصیب من کرد اساتید ارجمندی که به بنده درس زندگی دادند امید به زندگی و امید به درس خواندن در من تقویت شد و با همدلی و حمایت اساتید در کنار کوشش و تلاش خودم توانستم به موفقیت‌هایی دست پیدا کنم.

به عنوان یک استاد و پژوهشگر نمونه اهمیت پژوهش را در چه می‌دانید؟

برای پاسخ به این سوال به شکل تخصصی در رشته خودمان صحبت می‌کنم اهمیت پژوهش در رشته ما از آن جهت است که ما صاحب یک فرهنگ و سنت غنی هستیم چه در حوزه عرفان اسلامی و چه در حوزه عرفان ایرانی بسیار آثار فاخر و بی نظیری داریم و در دنیای صنعتی و مدرنیته امروز که بشر تشنه معنویت است وقتی خلاء را جای دیگری جستجو می‌کند و پیدا نمی‌کند وظیفه ماست که با پژوهش‌های خود و ارائه آن به دنیای امروز این فرهنگ غنی را معرفی کنیم که تاریخ و فرهنگ ماست ادبیات عرفانی ما بسیار ادبیات غنی و قوی است و از نظر بنده هر آن چیزی که برای زندگی لازم است در عرفان یافت می‌شود و عرفان و عرفا متعلق به یک عصر نیستند، عرفان منزوی نیست عرفان فعال در اجتماع است؛ از حوزه محیط زیست و حیوانات گرفته تا مهمترین بخش زندگی یعنی خودشناسی همه در عرفان یافت می‌شود و متأسفانه ما در شناساندن عرفان و عرفا به دنیا بسیار ضعیف عمل کرده ایم اغلب نسخه‌های خطی ما توسط خودمان تصحیح نشده حتی امثال ابن عربی را دیگران به ما معرفی کردند بنابراین باید در این حوزه بسیار به پژوهش اهمیت داد و تلاش کرد.

از نظر شما بهترین راه برای آشنایی و تشویق دانش‌جویان برای ورود به فعالیت‌های پژوهشی چیست؟

دانشجویان برای ورود به فعالیت‌های جدی پژوهشی نیازمند حمایت‌های بیشتر هستند و این حمایت‌ها می‌تواند با ایجاد شغل‌های مناسب پژوهشی و استخدام دانشجویان و ایجاد موسسات پژوهشی که آنها را حمایت مالی کنند باشد دیگر پیشنهاد من کاربردی کردن بیشتر این رشته‌ها در جامعه می‌باشد به طور مثال حتی می‌توانند از دانشجویان پژوهشگر در رشته ما در حوزه توریستی در کنار آرامگاه‌های عرفا و خانقاه‌ها برای شرح و توضیح به توریست‌ها استفاده کنند و یا با آموزش قوی تر زبان خارجی به دانشجویان آنها ترغیب شوند که پس از فارغ التحصیلی بتوانند در کار ترجمه مشغول به کار شوند.



برنامه شما برای آینده چیست؟

اکنون که به عنوان هیئت علمی در دانشگاه مشغول به کار هستم و از خداوند می‌خواهم که کمک کند تا مسیر مطالعه و پژوهش را در این رشته که زندگی‌ام را مدیون آن هستم پی بگیرم و تمام عمر به تحصیل و مطالعه و پرورش دانشجویان بپردازم.



کلام آخر

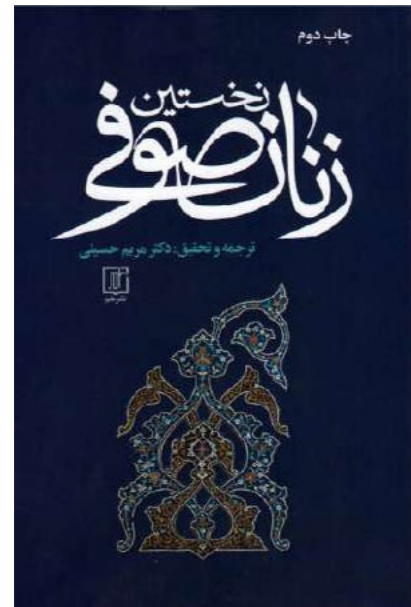
اینجا مجالش شد که مجدد از اساتید بسیار ارجمندم از دوران کارشناسی تا مقطع دکترا تشکر کنم که با حمایت‌های خود مرا یاری کردند و از دانشجویان در این رشته می‌خواهم با عشق درس بخوانند و توکل کنند و بدانند که با عشق و کوشش به موفقیت خواهند رسید و همچنین از مجله بیکران نیز بابت این مصاحبه بسیار سپاسگزارم موفق و موید باشید.



به نظر شما چه مشکلاتی در امر پژوهش وجود دارد؟

در رشته ما متأسفانه به دلیل عدم حمایت‌های مالی و عدم تامین شغل پس از تحصیلات تکمیلی انگیزه را در دانشجویان و پژوهشگران در این رشته کم کرده است و این عدم حمایت‌ها از بزرگترین مشکلات در مسیر پژوهش در این رشته محسوب می‌شود و عدم کاربردی بودن آن در سطح جامعه از موانع پژوهش در این رشته محسوب می‌شود.

معرفی کتاب نخستین زنان صوفی



صنم مروتی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد ادیان و عرفان دانشگاه الزهرا (س)

خانواده‌های معروف و ثروتمند بودند و اموال خویش را بسیاری از آن مصاحب مشایخ بزرگ، مادران و همسران و خواهران صوفیه برجسته بودند و خود نیز در سیر و سلوک به آموزش‌ها و ریاضت‌های سخت تن در داده‌اند.

این کتاب برای قرن‌ها گم‌شده بود و هیچ نسخه‌ای از آن در دست نبود پیدا شدن نسخه‌ای از این کتاب در سال ۱۹۹۱ میلادی توسط دکتر محمد طناحی در مجموعه نسخه‌های خطی کتابخانه ریاض عربستان سعودی واقع‌ای مهم بوده است دکتر طناحی این اثر را در سال ۱۹۹۳ تصحیح و با حواشی مختصری منتشر کرد پس از آن در سال ۱۹۹۹ خانم اوکیا کرنل استا دانشگاه دوک آمریکا این اثر را دوباره تصحیح و سپس به انگلیسی ترجمه کرد این کتاب و ترجمه نمونه خوبی از جمله مطالعات مستشرقین غربی در آثار اسلامی به شمار می‌رود.

کتاب نخستین زنان صوفی از دو بخش تشکیل شده در بخش اول سلمی از زنان صوفی و ارتباط بین آن‌ها با حکمت و خردمندی محبت و عشق الهی شعر و کرامات تدریس معارف انفاق‌های زنان صوفی ریاضت‌ها زنان و جماعت فتیان شطحیات رابطه بین زنان و مردان صوفی سخن گفته است در بخش دوم شامل نمونه‌های بی‌شماری از زنانی است که خدمتکاران شخصی شیوخ صوفی بودند و یا با خدمت به مردان فتیان دو مفهوم فتوت و خدمت را توأم کرده بودند از جمله زنان صوفیه می‌توان فاطمه نیشابوری عایشه نیشابوری رابعه عدویه مریم بصری ریحانه والهه رابعه بنت اسماعیل حکیمه دمشقی را نام برد.

کتاب نخستین زنان صوفی ترجمه کتاب «ذکره النسوة المتعبدات الصوفیات» نوشته یکی از برترین صوفیان و متخصصان تصوف راوی بزرگ صوفیه نویسنده ایرانی عرب‌زبان ابو عبدالرحمن محمد سلمی (۲۲۵-۴۱۲ ه ق) در قرن چهارم پنجم هجری در نیشابور است که خانم مریم حسینی از عربی به فارسی ترجمه کرده است و همراه با متن عربی در یک جلد منتشر کرده است در این اثر گزارش و شرح حال زندگی و اندیشه‌ها سخنان گفتار رفتار و حالات ۸۲ نفر از زنان پارسای تاریخ اسلام از اقصا نقاط سرزمین‌های اسلامی که در طول قرن‌های دوم تا اوایل قرن پنجم می‌زیستند بیان شده است.

کتاب زنان صوفی سلمی همچون کتاب طبقات صوفیه نمونه‌ای از کتاب‌های طبقات یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تاریخ‌نگاری مسلمانان است از نظر سلمی، زنان صوفیه این کتاب با مردان طبقات صوفیه با هم برابرند در مقام الگوهایی برای معنویت و روحانیت، آن‌ها نیز صاحبان حقایق وحدانیت، دریافت‌کننده کلام‌الله اهل عیان و دنباله‌روی طریق پیامبران هستند تمامی تلاش سلمی این است که زنان صوفی را در جایگاه برابری از نظر عقل و حکمت با مردان صوفی نشان دهد نویسنده هم تأکید بر حضور زنان و اهمیت حضور آنان در میان مشایخ و جریان‌های معنوی و اجتماعی در جهان اسلام می‌پردازد.

تعداد این بانوان خاص و اثرگذار تاندازه‌ای بوده که سلمی اقدام به نوشتن کتاب جداگانه‌ای درباره این بانوان نموده و نقش آن‌ها را نه تنها به‌عنوان صوفیان و زاهدان و عابدان مشهور که مورد توجه صوفیه بوده‌اند بلکه جماعتی از ایشان را در زمره جوانمردان و اهل فتوت نامبرده برخی از زنان از

در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۵ توسط کارشناسان میراث گیلان از جمله یوسف فلاحیان، این مکان در دو دوره مورد استفاده بوده است. دوره اول یعنی قرون پنجم و ششم (هم‌زمان با دوره سلجوقی) بنا ساخته شده است. بنا و محوطه اطراف آن حدود شش هکتار مساحت داشته است. در این دوره، بنا کاربری مسجد و عبادتگاه داشته و یک گورستان هم در مجاورت آن قرار داشته است. در دوره دوم، یعنی دوره صفوی بنا مجدداً احیا و مورد استفاده بوده است.

در درازمدت عوامل گوناگون انسانی (نظیر یادگاری، حفاری غیرمجاز، آتش) و طبیعی (سیل، رشد درخت، چرای گاو، زلزله) موجب ویرانی بنای «اسپی مزگت» شده‌اند. ریشه درختان در دیوارها نفوذ کرده و چند ترک بزرگ در دیواره و سقف به وجود آمده است. رودخانه سیلابی دیناچال نیز بخشی از جنوب بنا را تخریب و فرسوده است.

دسترسی به این بنا از طریق جاده رضوان شهر به تالش، به فاصله ۱۶۰۰ متر پس از پل رودخانه دیناچال، از فرعی شمالی میسر است. راه دسترسی جنگلی و آسفالتی است و طول آن از جاده اصلی تا بنا ۱۳۰۰ متر است. این بنا در ۶۰ متری غرب رودخانه دیناچال قرار دارد.

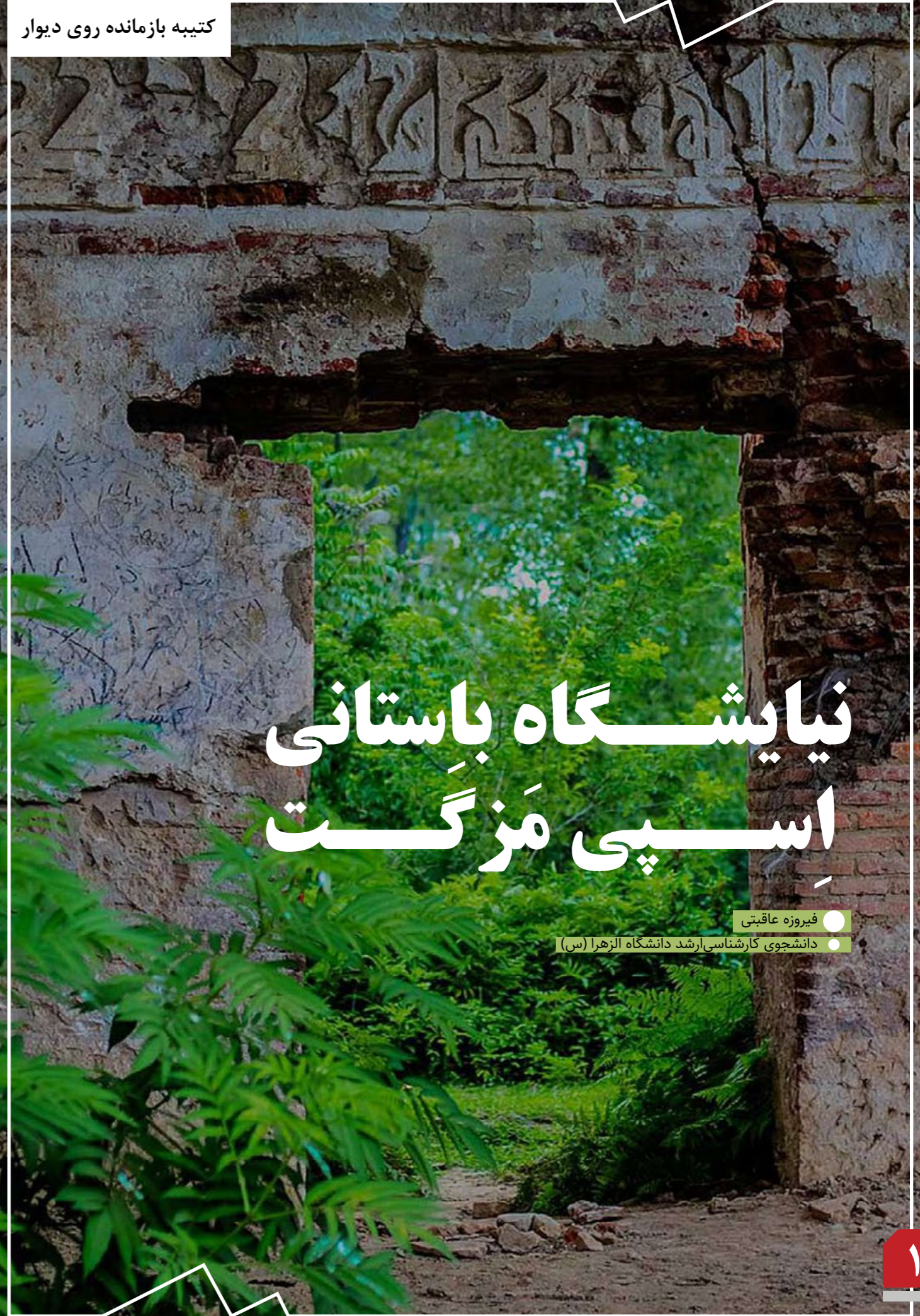
نیایشگاه باستانی اسپس مزگت مربوط به دوره‌های سلجوقی و صفوی است و در ۸۰ کیلومتری باختر شهر رشت و ۲۲ کیلومتری جنوب شهر تالش، در دهستان دیناچال پره سر در حاشیه باختری رودخانه دیناچال جای دارد.

این اثر در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۷۹ با شماره ثبت ۲۷۹۶ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. امروزه تنها ورودی اصلی بنا، نیمی از شبستان و چند دیوار مجاور آن سالم مانده است. ورودی اصلی شامل طاق بلند شاخص معماری دوره سلجوقی است.

واژه اسپس مزگت به معنای مسجد سپید به زبان تالشی (اسپید) است. واژه مسجد در زبان عربی هم برگرفته از همین واژه کهن ایرانی است.

علیرغم این ادعا که این بنا در دوره ساسانی یک آتشکده بوده، اما در کاوش‌های انجام شده هیچ نوع بقایای معماری یا سفال دوره ساسانی در اسپس مزگت یافت نشده است. سنگ نوشته‌های بنا آن را وابسته به سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری معرفی می‌کند و سفال‌های یافت شده همگی وابسته به سده هشتم هجری (دوره ایلخانی) هستند. با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی انجام‌شده

کتیبه بازمانده روی دیوار



نیایشگاه باستانی اسپی مزگت

● فیروزه عاقبتی

● دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)



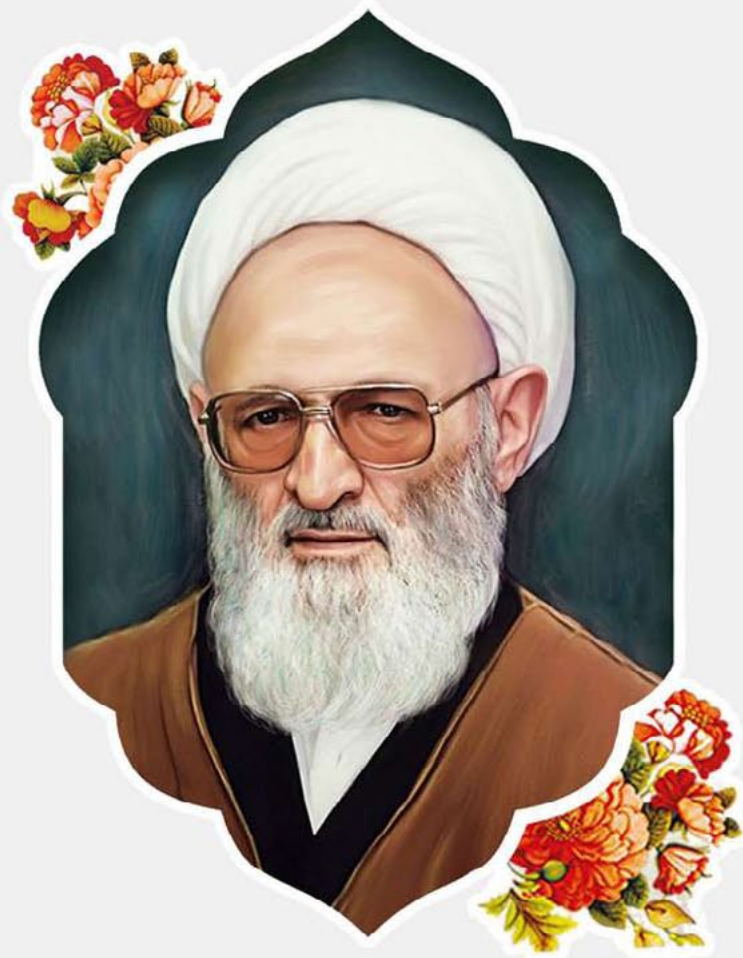
نمای شمالی اسپس مزگت، پره سر، رضوانشهر، گیلان، ایران



نمای شرقی اسپس مزگت



عکس هوایی محوطه و موقعیت
مسجد اسپس مزگت در سال ۲۰۱۰



الهی! از من آهی و از تو نگاهی
الهی، به حق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده!
الهی، راز دل را نهفتن دشوار است و گفتن دشوارتر.
الهی، «یا مَنْ یَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ وَ یُعْطِی الْکَثِیرَ بِالْقَلِیلِ»، از زحمت کثرت
وارهان و رحمت وحدتم ده!
الهی، سالیانی می‌پنداشتم که ما حافظ دین توایم، «استغفرک اللهم». در
این ليله الرغائب ۱۳۹۰ فهمیدم که دین تو حافظ ماست، «أحمدک اللهم»!
الهی، چگونه خاموش باشم که دل در جوش و خروش است، و چگونه سخن
گویم که خرد مدهوش و بیهوش است.

علامه حسن زاده آملی (رحمة الله علیه)